

تصحیح دیوان امامی هروی به کمک جنگ‌ها و سفینه‌ها

سهیل یاری گلدره^۱

به سال ۶۸۶ اتفاق افتاده» (صفا، ۱۳۷۸: ۳) (بخش اول) ۵۴۷-۵۵۱). همچنین شایسته ذکر است که: «امامی از جمله شاعران بزرگی است که در قرن هفتم شیوه شاعران مشرق و حتی زبان و غالب ترکیبات و مضامین شعری آنان را در نظم قصاید خود حفظ کرد و مانند غالب آنان مدّاح زبردست و غزلسرای خوش‌سخنی است و در عین حال بنا بر ذوق اهل زمان گاه ببیان خود چاشنی عرفان می‌دهد زیرا خود در مراحل سلوک سیر می‌کرد و در راه فقر غاشیه سلطان اولیا زین‌الدین پیرهند را بر دوش می‌کشید» (همان: ۵۵۱).

ناگفته نماند که تخلص «امامی» را به سبب مدح اهل بیت نبی - که درود خداوند بر آنان باد- برگزیده است (ر.ک. شهیدی، ۱۳۳۳: ۵۵).

دیوان امامی هروی حدود ۵۰ سال پیش با اغلاط مطبعی فراوان و تصحیفات بسیار چاپ شده است. مصحح ارجمند دیوان امامی با استفاده از سه نسخه خطی، اشعار امامی را تصحیح کرده است. مصحح در مقدمه کتاب، در معرفی نسخه اساس چنین نوشته‌اند: «متأسفانه پس از کوشش بسیار فقط سه نسخه خطی یافتیم که دو نسخه آن متعلق به کتابخانه مجلس و یک نسخه متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه است. نسخه اول همراه با قسمتی از آثار اثیرالدین اومانی است، گرچه بسیار مغلوط می‌باشد لکن قدیمی‌ترین نسخه موجود دیوان امامی هروی است...» (همان: ۳). نسخه دوم ایشان متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی و مورخ ۱۳۳۷ ق. است. نسخه سوم ایشان نیز متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که با خطی خوش نگاشته شده و جز اشعار امامی، اشعاری از مسعود سعد سلمان و انوری و دیگران نیز در آن هست.

نکته بسیار بایسته اینکه مؤلف از دو نسخه دیگر از دیوان امامی هیچ بهره‌ای نبرده است. این دو نسخه عبارت‌اند از:

۱- دست‌نویس شماره ۱۰۳ کتابخانه چستریتی (فیلم شماره ۱۸۶۵ کتابخانه دانشگاه تهران)، به خط ابونصر محمد بن احمد بن علی بن

شاید امروزه اهمیت سفینه‌ها، جنگ‌ها، و مجموعه‌ها در تصحیح دیوان و آثار شاعران و نویسندگان پیشین بر محققان پوشیده نباشد، به‌خصوص چنانچه نسخه‌های کهن از دیوان برخی از شعرا بر جای نمانده یا دیوان آنان از میان رفته باشد که در این صورت، بهره‌گیری از جنگ‌ها و سفینه‌ها و مجموعه‌ها بسیار مغتنم است؛ می‌توان به یاری چنین آثاری، پاره‌ای از سروده‌ها و نوشته‌های آنان را تصحیح کرد و نیز از لابه‌لای همین گونه آثار، نوشته‌ها و اشعار نویافته‌ای از آنان یافت. یکی از جمله شاعرانی که به یاری همین گونه آثار می‌توان پاره‌ای از سروده‌های وی را تصحیح کرد و بعضی از اشعار وی را، که از دیوانش افتاده، به دست آورد امامی هروی، از شعرای معروف قرن هفتم، است. آنچه در این مقاله نشان داده خواهد شد تصحیح تعدادی از سروده‌های امامی و ارائه برخی از اشعار ساقط‌شده وی از دیوان است که به یاری تعدادی از جنگ‌ها و سفینه‌ها و... نموده خواهد شد.

ملک‌الشعرا رضی‌الدین ابوعبدالله محمد بن ابی‌بکر بن عثمان هروی، متخلص به هروی، از شاعران عصر ایلخانی است. «مجموع اطلاعاتی که از احوال او بدست می‌آید محدود و منحصر بمسائل درجه دوم است، ولی از فحوای آنها بصراحت دریافته می‌شود که این شاعر را بسبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و بعلاط اطلاع از علوم مختلف معقول و مقول، شهرتی بسیار بوده است چنانکه حتی در مقام مقایسه او با سعدی برمی‌آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح می‌نهادند... امامی از اهل هرات و از علما و شعرای آن دیار بوده و ملوک کثرت را مدح می‌گفته و سپس مدتی در کرمان سکونت گزیده بمدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی و امرای ایشان سرگرم بوده و چندی هم در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی گوی کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان بوده و آنگاه به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذراند... وفات امامی

بیت اولی که در تذکره مذکور و نیز دیوان، به فخرالملک منسوب گشته، از امامی دانسته شده است. همچنین پاسخی که داده شده است به فردی به نام «عمادالدین اکرم» منسوب شده است. از آنجایی که اختلافی در ضبط ابیات این جنگ کهن با دیوان و... دیده می‌شود، شایسته می‌نماید آن‌ها را عیناً بیاوریم:

«امامی هروی:

محیط بحر مروت مدار مرکز دین
سر افاضل عالم در این چه فرماید
که گریه‌ای سر ده قمری و کیوتر را
به قرب هفته‌ای از تن به قهر بریاید
به حکم شرع ز بهر قصاص صاحب مرغ
دو دست گریه گر از تن جدا کند شاید
فأجابه عمادالدین اکرم:

زهی لطیف نهادی که طوطی نطقت
به گاه نظم بدایع همی شکر خاید
ندانمت که گهای اینقدر همی دانم
که از بنان تو آب حیات می‌زاید
نه کم ز گریه بید است گریه صیاد
که مرغ بیند بر شاخ پنجه بگشاید
چو گریه هیچ غرامت ندارد آن بهتر
که دست خویش به خونی چنان نیالاید
بقای قمری و عمر کیوتر ار خواهد
قرارگاه قفس را بلند فرماید» (یعنایی، ۱۳۴۳: ۱۸۹-۱۹۰).

و اینک دو بخش اساسی متن:

۱. تحریفات

همان‌طور که گفتیم، دیوان چاپ‌شده این شاعر پر از اغلاط مطبعی و ایرادات مربوط به تصحیح است. به‌علت آنکه اغلاط مطبعی دیوان فراوان بود، از آوردن آن خودداری کردیم و شایسته آن دیدیم که پاره‌ای از ابیات وی را، که غلط ضبط شده، در اینجا نشان دهیم:

- زهی سَو حزم تو پیرامن دین
شده ناقض صیت سد سکندر (ص. ۱۰۱).
«سَر» غلط است و بر اساس ضبط مجموعه اشعار و مراسلات، گ ۱۲۲، «سَد» درست است.

- سلامی همه شوق چون یاد جانان
سلامی همه لطف چون لعل و گوهر (ص. ۱۰۱).
بر اساس ضبط روضةالناظر (گ ۱۱۷) و مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۲)، و با توجه به قرینه «یاد جانان» در مصراع نخست، می‌باید «لعل دلبر» باشد.
- جنبش باد و ساحت چمن است

طره چین غیرت فرخار [کذا] (ص. ۱۰۲).
بر اساس بافت معنایی این بیت، و نیز با توجه به ضبط

برجق بن نعمان میمانی، مورخ ۶۹۹ق، یعنی ۱۲ سال پس از درگذشت امامی هروی که از این حیث، بسیار حائز اهمیت است. این دست‌نویس در بردارنده گزیده ده شاعر پارسی‌گو، از جمله کمال اصفهانی، رشید و طوطا، عبدالواسع جبلی، انوری و... است. برگ ۲۸۳ تا ۳۰۵ این نسخه سروده‌هایی از امامی را در بر دارد.

۲- گزیده دیوان امامی، دست‌نویس شماره ۷۳۹۱ متعلق به کتابخانه مجلس، مورخ ۱۰۴۹ق، که در بردارنده سروده‌هایی از امامی و ظهیر فاریابی و... است.

باری، اگرچه مصحح را فضل تقدّمی هست و وی در راه آماده‌ساختن دیوان امامی، زحمات بسیاری کشیده است، اما در کار ایشان، تصحیفات و تحریفات فراوانی دیده می‌شود؛ آنچه در این نوشته در پی آن هستیم این است که به کمک چند جنگ و سفینه نسبتاً کهن، که دارای پاره‌ای از سروده‌های امامی است، پاره‌ای از افتادگی‌ها و تحریفات را که در سروده‌های وی حادث شده نماییم. از آنجایی که در این مقاله در پی نمودن اهمیت سفینه‌ها و جنگ‌ها در تصحیح این دیوان هستیم، از آن دو گزیده اشعار امامی - گرچه هر دو دست‌نویس را در اختیار داریم - عمدتاً بهره‌ای نبرسیم.

ناگفته نماند، در مقدمه کتاب، صفحه ۵، از برخی جنگ‌ها، که حاوی برخی از سروده‌های امامی است، نامی برده شده، اما گویا در عمل، از آن‌ها مطلقاً بهره‌ای برده نشده، مگر یک بار که قصیده سی‌وپنجم دیوان (ص. ۱۸۰) از جنگ ۹۰۰ مجلس بر کتاب افزوده شده است.

به هر روی، دیوان امامی هروی به تصحیح انتقادی دیگری نیازمند است تا اغلاط بسیاری که در اشعار وی دیده می‌شود زوده گردد. همچنین ابیاتی که در این دیوان مصحح (!) دیده نمی‌شود نیز بر آن افزوده شود. ناگفته نماند که متأسفانه اغلاط مطبعی فراوانی در این چاپ از دیوان امامی دیده می‌شود که بسیار شگفت‌آور است.

بحث و بررسی

در این مجال، نکات خود را در دو بخش ارائه می‌کنیم: ۱. تحریفات؛ ۲. افتادگی‌ها.
پیش از آنکه به دو بخش اصلی مطالب خود بپردازیم، ذکر نکته ذیل بایسته می‌نماید:

در یکی از جنگ‌های قرن هفتم، که پیش‌تر با عنوان نمونه نظم و نثر فارسی چاپ شده است، درباره یکی از اشعار امامی نکته‌ای آمده است که شایسته گفتن است. مصحح دیوان، به‌نقل از مرآت‌الخیال لودی، داستانی را نقل کرده است به این شرح که فخرالملک، برادر نظام‌الملک، سه بیت فرستاده و خواهان پاسخ امامی بوده است. امامی نیز در چهار یا شش بیت پاسخ می‌دهد. آن پرسش و پاسخ در مقدمه دیوان، صفحات ۳۱ و ۳۲، و نیز با اندکی اختلاف در صفحات ۲۰۳ و ۲۰۴، آمده است. آنچه به‌نقل از نمونه نظم و نثر باید مورد توجه قرار گیرد این است که در آنجا، سه

- ز صدر سینه حاسد گزیده رمح تو مشرب
ز مغز کله اعدا نموده معطم (ص. ۱۳۸).
صورت درست واژه پایانی این بیت «مطم» می‌باشد که در سفینه ۶۵۱
مجلس (ص. ۶۵) آمده است.
- سنبل و سیب و گلش در باغ حسن
بیر سراب و یوسف و چاه و رسن (ص. ۱۴۰).
صورت درست مصراع دوم، با توجه به مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۳)
چنین است: برده آب یوسف و چاه و رسن.
- اگر نیستی آب حیوان لعلت
زمانه **نیستی** در زندگانی (ص. ۱۷۲).
با توجه به معنای بیت، می‌باید «ببستی» باشد، و نه «ببستی». ضبط
جنگ ۹۰۰ مجلس (ص. ۲۴۹) نیز «ببستی» است.
- رو، زاینه رنگ غیر بزدا
پس **نیست** بین که جز خدا نیست (ص. ۲۲۶).
مسلم است که «نیست» غلط و صورت درست، «نیک» است. در جنگ
۹۰۰ مجلس (ص. ۳۵۸) نیز همین ضبط «نیک» آمده است.
- مهر رخسارش امامی را ز **چرخ**
گرچه دامن پر ز گوهر می‌کند (ص. ۲۲۷).
همان‌طور که در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۷) آمده است، صورت
درست می‌باید «چشم» باشد، و نه «چرخ».
- عیسی نفسی خضر **دمی** خاتم دوران
جم مرتبتی تاجوری شاه نشانی
شکر شیرینی چو شکر در دل خلقی
شوخ نمکینی چو نمک شور جهانی (ص. ۲۳۶).
تمام ابیات این غزل در سفینه شمس حاجی (۱۳۹۱: ۴۷۰) آمده است.
ضبط دو بیت بالا در آنجا، چنین است که البته همین صورت موجه است:
- عیسی نفسی خضر وشی یوسف عهدی
جم مرتبه‌ای تاجوری شاه نشانی
شنگی شیرینی چو شکر در دل خلقی
شوخ نمکینی چو نمک شور جهانی

۲. افتادگی‌ها

در این بخش، ابیاتی از امامی که از دیوان وی ساقط شده است و آن‌ها
را در برخی سفینه‌ها و جنگ‌ها یافته‌ایم، آورده می‌شود.
در روضه‌الناظر، این چهار بیت به نام امامی آمده است:
- جهان پناها آمد رهی به حضرت تو
که آستان تو داش ز چرخ بستاند
چو پرده‌دار تو بارش نداد خواست که زود
عنان همت ازین آستان بگرداند

سفینه سعدالدین الهی (ص. ۱۰۵)، «طیره» درست است.
- صاحب **کلک** و قلم صدری که دست و کلک اوست
موجب دریا و گوهر، مایه خورشید و تیر (ص. ۱۱۵).
با توجه به ضبط جنگ ۹۰۰ مجلس^۲ (ص. ۳۴۷)، به جای «کلک»،
می‌باید «سیف» باشد.
همچنین امامی در جاهای دیگر «سیف و قلم» را آورده است:
صاحب **سیف** و **قلم** صدری که گر فرمان دهد
باز دارد از نفاذ امر در وقت خطاب (امامی، ۱۳۴۳: ۷۵).
صاحب **سیف** و **قلم** صدری که دارد هشت چیز
نظم عالم را قضا در چار چیزش جاودان (همان: ۱۴۸).
صاحب **سیف** و **قلم** صدری که تیغ و خامه‌اش
پادشاهی را شکوهند و وزارت را پناه (همان: ۱۵۸).
- گفتم ای جنت ز باغ **فضل** تو خاک زمین
گفتم ای دوزخ ز تاب هجر تو عشر عشیر (ص. ۱۱۴).
با توجه به ضبط جنگ ۹۰۰ مجلس (ص. ۳۴۶) و نیز قرینه «تاب
هجر»، می‌باید «وصل» باشد.
- **بوران** شود ز **یاد** عتاب تو در نبرد
مانند برگ بید به فصل بهار تیغ (ص. ۱۲۷).
با توجه به ضبط روضه‌الناظر (گ ۱۷) صورت درست مصراع اول چنین
است: «لرزان شود ز باد عتاب تو در نبرد».
- من بنده از جواهر **مدت** شنیده‌ام
هردم به سحر در گهر شاهوار تیغ (ص. ۱۳۰).
صورت درست مصراع اول، با توجه به ضبط جنگ شماره ۷۵۵۳ (ص.
۱۶۷)، چنین است: «من بنده از جواهر مدحت نشانده‌ام». البته شاید هم غلط
چاپی باشد.
- **قلب** **معشوق** بودم اول کار
ز **غش** و **غیر** تا جدا گشتم
در خلوص عنایتش ز اخلاص
زر شدم بلکه کیمیا گشتم (ص. ۱۳۵).
با توجه به معنای بیت و ضبط مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۳۵)، بیت
اول چنین است:
قلب مغشوش بودم اول کار
ز غش غیر چون جدا گشتم.
- سپهر **آخر** شاهان جهان کشور شاهی
مدار مرکز تکوین **مراد** گوهر آدم (ص. ۱۳۷).
با توجه به بافت این بیت و ضبط سفینه ۶۵۱ مجلس (ص. ۶۵)، صورت
درست بیت چنین است:
سپهر اختر شاهان جهان کشور شاهی
مدار مرکز تکوین ملاذ گوهر آدم.

قرائت کنم):

خشک‌سال نیاز را بنمود
 قلمت فیض ابر در آذر
 تنگنای سؤال را نگذاشت
 کرم‌ت در دیار دین دیار
 روز هیجا چو برکشد ز نیام
 دست... روان اوبار
 گر نگرده ز بیم او پنهان
 ور نخواهد ز تاب او زنه‌ار
 بگسلد روح روزگار ز جسم
 برکشد بود کائنات از تار.

- در جُنک ۹۰۰ مجلس (ص. ۳۴۶) و جُنک سید الهی (ص. ۲۲۶)، پس از بیت دوم از قصیده هفدهم (ص. ۱۱۳)، این بیت، که از دیوان افتاده، آمده است:

آب از آن دریا ز تاب زلف جانان مستعار
 آب آن زورق ز آب روی دلبر مستتیر
 - چهار بیت از قصیده بیستم (صص. ۱۲۵-۱۳۰) در روضة‌الناظر (گ ۱۷) آمده است، اما یک بیت آن، که در ذیل می‌آید، از دیوان افتاده است:

سر بر ندارد از خط امر تو چون قلم
 گر خود رسد به مرتبه ذوالفقار تیغ.
 - قصیده بیست و دوم (صص. ۱۳۵-۱۳۷) در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۶) آمده است. بیت ذیل، که در این مجموعه آمده، از دیوان افتاده است:
 غایت هر دو خواب بود و خیال
 این دو دد را چو زیر پا گشتم.
 - از قصیده بیست و چهارم، بیت ذیل افتاده است، اما در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۴) هست:

انوری کو تا بدیدی کز ثنات
 هر نفس سرمایه صد بُولَحَسَن.
 - از قصیده بیست و پنجم (صص. ۱۴۴-۱۴۶)، این بیت افتاده است، اما خوشبختانه در روضة‌الناظر (گ ۴۶) و جُنک سید الهی (ص. ۲۴۴) یافت می‌شود:

بحری که از لطافت و رشکش محیط را
 دریای اشک و آب شود دامن و دهان.
 - دو بیت از اواخر قصیده سی‌ام دیوان ساقط شده، اما در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۱)، و نیز در سفینه ۶۵۱ مجلس (ص. ۶۷)، آمده است. اینک آن دو بیت:

این عبودیت نکرده عرض اگرچه کرده است
 دیگری منحول و کار خویشتن زین ساخته
 من شوم بیزار ازین ترکیب اگر او بی‌خلل
 بر سخن بندد یکی هرگز ز چندین ساخته

خرد درآمد و گفتا چه جای این سخن است
 مگو که گر تو ندانی خدای می‌داند
 که گر مربی جاهش ازین خبر یابد
 ترا درآرد و بر چشم خویش بنشاند (کاشی، گ ۲۱).
 - در روضة‌الناظر، هشت بیت از قصیده ششم آمده است، اما بیت ذیل، که در خلال آن ابیات در روضه هست، از دیوان افتاده است:
 ماهی‌ای دیدی کزو بر طره سنبل شود
 عارض برگ سمن وقتی که آید در شتاب (کاشی، گ ۹۵۲).
 - در جُنک سید الهی، پس از این بیت از قصیده اول دیوان:
 و آن جهاننداری که از راه تواضع چون جهان
 می‌نهد سر بر خط فرمان درگاهش قضا
 این دو بیت آمده، که در دیوان نیست:

شعله آتش شود در حال اگر جز روز بار
 در هوای بارگاهش بگذرد باد صبا
 تا نیندازد نظر بر سایه چهرش سپهر
 می‌کشد دیده‌میل آتشین خورشید را (جنگ سید الهی، ص. ۱۸۰).
 - در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۰) و جُنک سید الهی (ص. ۹۵)، ابیاتی از قصیده دهم دیوان آمده است. بیت ذیل، که در هردو نسخه مذکور هست، از دیوان افتاده است:

چشم عقل از سرعت رفتار او حیران شود
 کام جان را شربت الفاظ او شیرین کند
 - سرورا صدرا تو خود دانی که در ملک سخن
 بنده را دستی‌ست کو... قسطنطنین کند
 مصحح در حاشیه بیت بالا، نوشته‌اند: «این بیت ناقص فقط در یک نسخه موجود است» (امامی، ۱۳۴۳: ۸۹). اما بر اساس ضبط مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۰)، واژه افتاده می‌باید «قیصار» باشد.
 - بیت ذیل از قصیده ۱۳ (صص. ۹۷-۱۰۰) افتاده است، اما در جُنک گنج‌بخش (گ ۲۸) و سفینه سید الهی (ص. ۱۱۷) موجود است:

دست باد ار در چمن زین پیش زر می‌زد کنون
 در شمر نقد روان از نقره تر می‌زند.
 - سه بیت ذیل که از قصیده چهاردهم دیوان (ص. ۱۰۱) افتاده، در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۲) موجود است:

سلامی به صورت جمالی مجسم
 سلامی به معنی کمالی مصور
 زهی روح را لطف طبع تو هیأت
 زهی عقل را لفظ عذب تو... [؟]

زهی آفتابی سپهر سخن را
 سر کلک دولت‌پناه تو خاور.
 - پنج بیت ذیل از قصیده پانزدهم (ص. ۱۰۶) افتاده، اما در روضة‌الناظر (گ ۱۷) ثبت شده است (متأسفانه یک کلمه از بیت سوم را نتوانستم درست

- بیت ذیل جزو یکی از قطعات امامی (صفحه ۲۰۰ دیوان) است که به این صورت در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۴) آمده:

خار او زیر پای اعدا ریخت

گل رامش بر اولیا افشاند
- بیت سوم قطعه‌ای دوبیتی که از دیوان (ص. ۲۰۴) افتاده است، در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۷) و جنگ ۱۴۴۳ مجلس، (ص. ۲۰۳) به این گونه آمده است:

تهی شده‌ست دماغم ز زحمت اغیار

سزد گرم قدحی پُر ز باده بفرستد
- غزل ذیل از جمله اشعار نادر امامی است که ابیات نسبتاً زیادی (۱۱ بیت) از آن افتاده است، اما خوشبختانه در مجموعه اشعار و مراسلات (گ ۱۲۸) و جنگ ۹۰۰ مجلس (ص. ۳۵۵) آن اشعار ساقط شده ضبط شده است. اینک آن ابیات:

هم چرخ کشف را ز طوابع نجوم گشت

هم نغش وجد را ز طوابع بنات بود
در سکر و صحو راه بقا و فنا سپرد
در قبض و بسط مست حیات و ممات بود

گاهی ز قرب قرب در اشیا چو رنگ و طعم

در ذات زعفران و نهاد نبات بود
گاهی ز محو محو چو یک قطره اشک ابر
در دامن تصرف موج فرات بود

گاهش نزول فیض ازل در فنا رسید

گاهش ظهور نور قدم در وفات بود
گرچه نفس براق عروج ظهور گشت
در هودج سرادق تنزیه لات بود

اول پیی که برد به بوی نیاز برد

اول میی که خورد ز بزم صفات بود
چون در نیاز نیست شد و در صفات محو

هم ذات عین هر دو و هم عین ذات بود

گاه از مروق ازلی مست مست گشت
گه در زلال لم‌یزلی فات فات شد بود

عین‌الیقین مشاهده‌اش را فروغ گشت

روح‌القدس معامله‌اش را زکات بود
عین‌الحیاتش آیت فهی الحیوة گشت

بحرالحیاتش آب حیات الحیات شد. بود

- دو رباعی ذیل، در روضه‌الناظر (به ترتیب، گ ۲۰۹ و گ ۲۲۰)، به «امامی» منسوب شده است:

ای مطلع خورشید زه پیرهن

شب در شکن طرّه عنبرشکنت

گفتی شب هجر تو کنم روز وصال
دیدی که چو صبح اوایل آمد سخنت.

ای برده نسیم لطف از روی گل آب

وی در چمن از شرم رخت گشت گل آب
بوی خوشم آرزوست بفشان سر زلف

تا خاک عبیر گردد و آب گلاب.
ناگفته نماند که رباعی اول در مجموعه سلیمانیه (گ ۲۸) و خلاصه‌الاشعار

تبریزی (صص. ۱۳۲-۱۳۳) و مونس‌الاحرار کلاتی (که سال تألیف اولیه آن ۷۰۲ بوده، رک. گ ۶۹۸) نیز، به نام «امامی» آمده است.

- چهار بیت ذیل در جنگ اسکندر میرزا (گ ۳) و سفینه سید الهی (ص. ۱۶) به «امامی» منسوب شده است:

ای دل اندر پرده تقدیر کس را راه نیست

هیچ فهم از کشف اسرار سپهر آگاه نیست
فتنه گیتی مشو زیرا که در زیر سپهر

یوسف امید اگر برجاست جز در چاه نیست
بر جوانی دل منه چون دست فرمان فنا

هیچ وقت از دامن ملک بقا کوتاه نیست
نام نیکو به ز مال و جاه چون بعد از حیات

نام نیکو هست مردم را و مال و جاه نیست.
- در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، سروده ذیل با عنوان «المولانا ملک‌الشعراء

امامی‌الپهروی^{طاب‌تره}» آمده است:

دهان ترک من گویی وجودست و عدم با هم

که هست و نیست در وصفش کجا و کو و کیف و کم
گرش گویم که موجود است در تقریر ایجادش

گرم گویند برهان کو؟ نیارم زد ز برهان دم
و گر می‌گویمش خود نیست، عقلم باز می‌گوید

که هرگز کی زند معدوم کار عالمی بر هم
سواد زلف شب رنگش ز خط مشکبو معرب

حروف خط دلخواهش ز خال عنبرین معجم
اسیر آن سر زلفم که هم درد است و هم درمان

غلام آن خط سبزم که هم ریش است و هم مرهم
جهان داد و جان جود و مجد دولت و ملت

که اساس دین و دولت را قواعد گشت ازو محکم
خداوند خداوندان، پناه مشرق و مغرب

فریدون قدر قدرت، سلیمان قضاخاتم
زمین فیض ممهّد کرد و الحق خود چنین زبید

حریم حرمت کعبه است جای چشمه زمزم
زهی دست وزارت را زمین حصن تو مأمن

زهی راز کواکب را مسیر خانهات محرم
(تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۴۲۳: ۹۷/۲-۹۹).

به کوشش بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

جُنگ اسکندر میرزا، دست‌نویس شماره ۲۷۲۶۱-Add موزه بریتانیا، به‌خط محمد حلویی و ناصر الکتب، مورخ ۸۱۴-۸۱۳ ق. (فیلم شماره ۲۴ کتابخانه دانشگاه تهران).

جُنگ سید الهی، شماره ۱۴۴۳۲ کتابخانه مجلس، کتابت در قرن دهم.

جُنگ شماره ۷۵۵۳ کتابخانه مجلس، بدون تاریخ.

جُنگ شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس.

جُنگ گنج‌بخش، دست‌نویس شماره ۱۴۴۵۶، کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، سده هشتم، ۱۰۰ برگ.

جُنگ یحیی توفیق، مورخ ۷۴۵ ق.، شماره ۱۷۴۱ کتابخانه بزرگ سلیمانیه استانبول.

سفینه شماره ۶۵۱ مجلس، کتابت در قرن دوازدهم.

شیرازی، شمس‌الدین محمد بن دولتشاه، ۱۳۹۰، سفینه شمس حاجی، چاپ اول، تهران: سخن.

صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۸، تاریخ ادبیات در ایران، مجلد سوم، چاپ هشتم، تهران: فردوس.

کاشی، عبدالعزیز، روضة‌الناظر و نزهة‌الناظر، دست‌نویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، سده هشتم ق.، ۳۰۴ برگ (شماره ۲۴۷ کتابخانه دانشگاه تهران).

کلانی اصفهانی، مونس‌الأحرار، نسخه کتابخانه دانشگاه علیگر، شماره ۳۷۸۷، ۶۹۸ برگ.

مجموعه اشعار و مراسلات دست‌نویس شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل، ۷۴۲-۷۴۱ ق.، ۲۸۳ برگ (فیلم شماره ۵۷۳ کتابخانه دانشگاه تهران).

مجموعه سلیمانیه، دست‌نویس شماره ۲۸۰ کتابخانه سلیمانیه چلی عبدالله، به‌خط مسعود بن منصور متطبب، مورخ ۷۶۳ ق.، ۱۰۰ برگ (فیلم شماره ۵۰۸ کتابخانه دانشگاه تهران).

میرافضلی، سیدعلی، ۱۳۸۲، رباعیات خیام در منابع کهن، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

یغمائی، حبیب، ۱۳۳۳، نمونه نظم و نثر فارسی (سفینه‌ای متعلق به قرن هفتم)، تهران: تابان.

ایبات زیر، که در جُنگ یحیی توفیق به نام «امامی» دیده می‌شود، در دیوان امامی نیست:

ای سرابردۀ عصمت زده بر علیین
پرده‌دار حرم حرمت تو روح امین
تا به جایی‌ست عفاف تو کز آینه و آب
کرده‌ای قطع نظر تا که نباشی خودبین
پاس حفظ تو به جایی‌ست که مشاطۀ طبع
نیستش زهره که گلغونه کند بر نسرین
در سرابردۀ تو بوی بهشت آید از آنک
که درو جز روش پاک نباشد آیین
پرتو زیب کنیزان تو بر چرخ افتاد
یارۀ ماه پدید آمد و عقد پروین
چادر کُل بدرد باد صبا از پی آنک
که به عهده‌ت به درآمد به لباسی رنگین (گ ۶۷).

- در حریم سیرت و بستان سرای عصمت
جز به شرط راستی یک سرو بن بالا نکرد
سر فراگوش کنیزانت نیارست آورید
لؤلؤ کافوروش تا نام خود لالا نکرد
زان بگردانید مسکین زهره را گردون به گاو
کو به عهد عدلت از خنیاگری خو واکرد (همان جا).

- رباعی ذیل در مونس‌الاحرار کلاتی (گ ۶۹۸) به نام امامی آمده است:
درد تو دوائ دل مجروح من است
طوفان غمت ز سینه نوح من است
بیچاره دلم بیست زَنار چو دید
آب رخس آتشکده روح من است.
با توجه به آنچه در این نوشته به اختصار گفته شد، و نه با استقصای کامل و بیان تمام موارد، لزوم تصحیح دیوان امامی هروی امری بایسته است که می‌باید به کمک چند نسخه‌ای که از اشعار وی برجای مانده، و نیز با بهره‌گیری از جُنگ‌ها و سفینه‌هایی که زمان تألیفشان فاصله چندانی با حیات امامی ندارد، دیوانی مصحح از این شاعر فاضل عرضه کرد.

کتابنامه

امامی هروی، عبدالله، ۱۳۴۳، دیوان کامل رضی‌الدین عبدالله بن محمد بن ابی‌بکر عثمان امامی هروی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۴۲۳، بیاض، به کوشش علی زمانی علویجه، چاپ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود، ۱۳۸۳، «خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات»، گنجینه بهارستان (مجموعه یازده رساله در ادبیات فارسی اشعار)

پی‌نوشت

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان.
۲. این جُنگ که ما در این نوشته از آن بهره گرفته‌ایم، برای تصحیح اشعار امامی و ده‌ها شاعر دیگر منبعی ارزشمند است. درباره این جُنگ نوشته‌اند: «در این مجموعه شعری که نام برده شده‌اند همه متقدم بر سده هشتم هجری می‌باشند... تحریر نسخه هم کهنه است و از شیوه خط و رسم‌الخط و همه قرائن یقین حاصل می‌شود که از سده هشتم متأخر نیست» (میرافضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).